Payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۹۴۳
چهارشنبه / ۲۹ بهمن / ۱۴۰۴
۲۹ / شعبان / ۱۴۴۷
18 / February / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ابافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶، کس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۱۵ امروز با حافظ

قیاس کردم و آن چشمِ جادوانه مست
هزار ساحر چون سامریش در گله بود
بگفتمش به لبم بوسه‌ای حوالت کن
به خنده گفت کِی‌ات با من این معامله بود؟

غزل

مگر ای سحاب رحمت تو
ببارى ارنه دوزخ
به شرار قهر سوزد همه
جان ماسوا را

شهریار

فال کرج — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۵:۲۴	۶:۴۸	۱۲:۱۹	۱۷:۵۱	۱۸:۰۹

برگه

باهوش‌ها از همه چیز و همه کس می‌آموزند. انسان‌های معمولی از تجربیات خود. نادان‌ها هم جواب همه چیز را دارند...

سقراط

گزارش روز

یک کلیک فاصله تا ازدواج یک روزه!

تبلیغ ازدواج‌های یک روزه، هفتگی و چند ماهه علنا در شبکه‌های ماهواره‌ای مشاهده می‌شود. موضوعی که بی‌اعتمادی را رواج می‌دهد و با ارائه مسکنی ساختگی، سنگی در مقابل ازدواج‌های مسئولانه است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روز نو، مدتی موضوع تبلیغ ازدواج‌های یک روزه در کانال‌های تلگرامی به کررات دیده می‌شد و ادمین‌ها با اذعان به اینکه این افراد ناشناس هستند و مرتب حذف می‌شوند از حریم کانال خود دفاع می‌کردند، اما این روزها در شبکه‌های ماهواره‌ای تبلیغ همسریابی با مدت زمان یک هفته تا دائمی دیده می‌شود.

موضوعی که حس ناخوشایندی از بهره‌برداری تجاری از مقوله عشق، روابط جنسی و ازدواج را تداعی می‌کند. به همین منظور به سراغ مردم و کارشناسان رفتیم تا نظرات آنها را جویاشویم.

من متأهلم و چنین تبلیغاتی را موجب رواج بی‌اعتمادی می‌دانم

یکی از شهروندان چنین تبلیغی را ایجاد فرصت برای سوءاستفاده مردان می‌داند. او معتقد است پیدا کردن همسر یک روزه تا چند روزه یا یک تماس تلفنی راحت شده و برای منی که متأهل هستم این موضوع به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست.

پاسخ تند مجری شبکه ۲ صداوسیما به منتقدان سایت همسریابی معروف: چرا اختیار زبان خود را ندارید و به سایت آدم و حوا توهین می‌کنید؟ خودتان بروید و در سایت ثبت‌نام کنید تا ببینید روند چطور است/ویدئو

وی در پاسخ به این موضوع که این مؤسسات مدعی هستند همسریابی برای افراد مجرد انجام می‌شود، ادامه داد: هیچ کس این ادعا را باور ندارد و در سطح جامعه به عینه دیده می‌شود که افراد متأهل هم به سراغ چنین مؤسساتی می‌روند.

گرفتار شدن مردان هوسران در سایت‌های صیغه‌یابی

همچنین شهروند دیگری می‌گوید همسریابی یک هفته‌ای همان ازدواج موقت یا صیغه موقت است. وقتی در زندگی متأهلی نمی‌توان به طرف مقابل اطمینان کرد تنش به وجود می‌آید و در چنین شرایطی زنان بیشتر آسیب می‌بینند، چون بین دو حالت ترک همسر یا زندگی با او مرتباً در نوسان فکری است.

من مجردم و چنین آگهی تجاری کردن عشق است

شهروند دیگری نیز می‌گوید وقتی چنین روندی در جامعه باب می‌شود نه دخترها به پسرها و نه پسرها به دخترها اعتماد نمی‌کنند. برخی به اسم مجرد بودن انواع روابط را پشت سر می‌گذارند چه دختر باشند و چه پسر.

وی افزود: چنین آگهی‌هایی بیشتر از اینکه افراد را به سمت انتخاب فردی برای زندگی کردن هدایت کند، شبیه پاسخ به نیاز جنسی یا تنوع طلبی یا ترک تنهایی به شکل موقت است.

آمار عجیب از تعداد سایت‌های همسریابی در ایران

این شهروند معتقد است تمایل ندارد همسر آینده خود را از طریق چنین مؤسساتی انتخاب کند و اعتمادی به بقای زندگی خود با چنین انتخابی ندارد. شهروند دیگری نیز می‌گوید به شخصه برای پیدا کردن زوج مناسب به یکی از مؤسسات همسریابی مراجعه کردم. نزدیک ۴۰ سال سن دارم و می‌خواهم ازدواج کنم. اما نتیجه مطلوبی نگرفتم

وی افزود: با هر پسری قرار آشنایی می‌گذاشتم به حدی رفتارهای زننده می‌دیدم که کلاً این موضوع را کنار گذاشتم. در نهایت این مسئله که دست به دامن چنین مؤسساتی شدم را به سرم می‌زنند.

من جامعه‌شناسم و چنین عشق‌های فوری را قبول ندارم

همچنین جامعه‌شناس و پژوهشگر در این رابطه گفت: پرسش آغازین این است: وقتی ازدواج در قالب خدمات فوری و تبلیغاتی عرضه می‌شود، چه تغییری در معنای اجتماعی و کارکرد نهاد ازدواج رخ می‌دهد؟ برای پاسخ، من سه نگاه را مطرح می‌کنم. نخست اینکه این مؤسسات پاسخی به نیاز واقعی جوانان برای پیدا کردن شریک زندگی هستند؛ دوم اینکه نشانه تجاری‌شدن روابط عاطفی‌اند و سوم اینکه می‌توانند پیامدهای ناخواسته و پرهزینه‌ای برای جامعه داشته باشند.

سایت‌های همسریابی و صیغه‌یابی، هم پول تان را می‌برند، هم آبروی تان را

محمدرضا رنجبر محمدی در گفت‌وگو با خبر فوری افزود: از منظر نگاه انتقادی، دیدگاه‌های زیگمونت باومن درباره «عشق سیال» نشان می‌دهد که در دنیای امروز روابط انسانی بیش از گذشته شبیه کالا شده‌اند؛ یعنی انتخاب، مصرف و حتی پایان دادن به رابطه آسان‌تر و سریع‌تر شده است. وقتی شعار «ازدواج یک‌روزه تا دائمی» تبلیغ می‌شود، فرایندی که به طور سنتی نیازمند زمان، شناخت تدریجی و مشارکت خانواده و شبکه‌های اجتماعی بوده، به یک خدمت سریع تبدیل می‌شود. چنین روندی می‌تواند معیارهای انتخاب همسر را سطحی‌تر کند و احتمال ناپایداری روابط را افزایش دهد.

وی ادامه داد: در نگاه دوم، مفهوم «رابطه ناب» نزد آنتونی گیدنز اهمیت دارد. رابطه پایدار نیازمند گفت‌وگو، شناخت و سرمایه‌گذاری عاطفی است. حذف این مراحل و وعده میان‌بُر، پیوندی شکننده ایجاد می‌کند که در برابر مشکلات زندگی مشترک دوام کمتری دارد. در نتیجه احتمال تعارض‌های زناشویی و طلاق افزایش پیدا می‌کند و اعتماد اجتماعی به نهاد ازدواج آسیب‌می‌بیند.

به گفته رنجبر محمدی از سوی دیگر، با الهام از نظریه «جامعه مخاطره» اولریش بک می‌توان گفت این تبلیغات بر نگرانی‌های واقعی جوانان — از مشکلات اقتصادی تا ترس از تنهایی — تکیه می‌کنند و راه‌حل سریع ارائه می‌دهند. اما همین راه‌حل‌های فوری ممکن است خود به ایجاد مشکلات تازه منجر شوند؛ از آسیب‌های روانی گرفته تا بی‌اعتمادی بیشتر به ازدواج.

این جامعه شناس متذکر شد: جمع‌بندی اینکه مسئله اصلی مخالفت با تسهیل ازدواج نیست، بلکه نگرانی از تبدیل ازدواج به یک خدمت فوری و تجاری است. راهکارها می‌تواند شامل نظارت بر فعالیت مؤسسات همسریابی، گسترش آموزش مهارت‌های زندگی و مشاوره پیش از ازدواج، افزایش آگاهی عمومی و همچنین کاهش فشارهای اقتصادی و شغلی جوانان باشد. چنین رویکردی می‌تواند هم به تسهیل ازدواج کمک کند و هم از پایداری این نهاد مهم اجتماعی محافظت کند.

اشاره

چرا مجبوریم این‌قدر درگیر سیاست باشیم؟

مسئله این نیست که چرا همه ما تحلیل می‌کنیم، مسئله این است که چرا مجبوریم این‌قدر درگیر سیاست باشیم؟ این که سواد سیاسی داریم یا نه، موضوع بحث نیست؛ واقعیت این است که سیاست مستقیم به زندگی روزمره ما وارد شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اطلاعات، این روزها سیاست شده نقل هر مجلس و موضوع‌محوری اغلب نقل قول‌های تمامی محافل؛ چنان که گویا وظیفهٔ داریم از اعتراضات اخیر گرفته تا واکنش سیاست‌مداران داخلی و خارجی، هر حرف و هر اقدامی در دنیا را بلافاصله تحلیل کنیم. انگار همه ما ناخواسته وارد یک گفت‌وگوی دائمی سیاسی شده‌ایم.

مسئله این نیست که چرا همه ما تحلیل می‌کنیم، مسئله این است که چرا مجبوریم این‌قدر درگیر سیاست باشیم؟ این که سواد سیاسی داریم یا نه، موضوع بحث نیست؛ واقعیت این است که سیاست مستقیم به زندگی روزمره ما وارد شده است. وقتی کسی یک کسب‌وکار اینترنتی دارد و یا کندی یا قطعی اینترنت مواجه می‌شود، اولین دلیلی که برای آن به ذهنش می‌رسد، سیاست است.

وقتی وارد فروشگاه می‌شویم و یا قیمت‌ها رویه‌رو می‌شویم، باز هم سیاست مقصر اصلی می‌شود. این مثال‌ها کم نیستند و هر روز تکرار می‌شوند.

باور کنیم اغلب ما فقط یک آدم معمولی هستیم و وقتی سوار تاکسی می‌شویم، مسافر هستیم، نه تحلیل‌گر. آدمی که فقط می‌خواهد بدون استرس، سالم و آرام به مقصد برسد. وقتی وارد دانشگاه می‌شویم، وقتی به جمع دوستان می‌رویم یا به محل کار هم، کماکان یک آدم معمولی هستیم آدمی که پیگیر بحث و جدل نیست، ولی حتی همین فواصل کوتاه هم پر می‌شود از پیش‌بینی جنگ، ناامنی و ترس.

حال سؤال اصلی اینجاست: آیا با وجود همه این‌ها، باید تمامی زندگی ما درگیر سیاست باشد؟ چرا در خانواده، در جمع دوستان، در محل کار، دانشگاه و حتی تاکسی، بحث‌ها ناخودآگاه به سیاست کشیده می‌شود؟ چند درصد از این تحلیل‌ها واقعاً درست هستند؟ اصلا چه کسی می‌داند کدام حرف درست است و کدام فقط حدس، شایعه یا برداشت شخصی؟

ما اینک بین دو واقعیت گیر کرده‌ایم؛ از یک طرف نمی‌شود انکار کرد که سیاست بخش بزرگی از زندگی ما را درگیر کرده و دلایل کافی هم برای این درگیری وجود دارد. وقتی تصمیم‌های سیاسی مستقیماً روی کار، معیشت و آینده اثر می‌گذارند، بی‌تفاوت بودن تقریباً غیرممکن است. اما از طرف دیگر، نمی‌شود چشم را روی آسیب‌هایی بست که همین بحث‌های مداوم، تحلیل‌های بی‌وقفه و پیش‌بینی‌های نگران‌کننده به روان ما می‌زنند. شاید مشکل توجه به سیاست نباشد، بلکه این باشد که اجازه داده‌ایم سیاست، بدون مرز وارد تمام لحظه‌های زندگی‌مان شود؛ سیاستی که نه تغییری ایجاد می‌کند و نه کنترل آن دست ماست، فقط اضطراب را بیشتر و زندگی را سخت‌تر می‌کند.

«جنگ می‌شود»، «آمریکا می‌زند»، «شاید همه‌چیز تمام است»، جمله‌هایی است که در عالم واقع شاید هرگز اتفاق نیفتند، اما اثرشان کاملاً واقعی روی زندگی ما حس می‌شود؛ روی آرامش ما، روی روابط خانوادگی، روی پدر و مادرهایی که توان تحمل این حجم از استرس را ندارند و روی بچه‌هایی که ناخواسته شنونده و شریک ترس‌های ما شده‌اند. اسفناک‌تر این که در بسیاری از مواقع، همین تحلیل‌های بی‌پایه باعث کدورت، تنش و فاصله بین آدم‌ها می‌شود. نه به این دلیل که اختلاف نظر بد است، بلکه چون فراموش می‌کنیم هر حرفی، هر جایی قابل گفتن نیست.

شاید راه‌حل، نیاز به اقدامات بزرگ نداشته باشد و شاید لازم نباشد دنیا را عوض کنیم، اما می‌توانیم از خودمان شروع کنیم؛ این که در جمع‌های کوچک‌تر، حداقل در محافل شخصی و خانوادگی، آگاهانه از بحث‌های سیاسی فاصله بگیریم.

فکر می‌کنم حرف‌های قشنگ‌تر، بحث‌های مثبت‌تر و گفت‌وگوهای انسانی‌تری وجود دارد که می‌توانند جای این همه اضطراب را بگیرند. بسیاری از اوقات، از جزئی‌ترین انتخاب‌ها می‌شود به تغییرات بزرگ‌تر رسید. از نظر ما آدم‌های معمولی، ضروری‌ترین اتفاق، خود زندگی و آرامش است. یا حرف‌ها و تحلیل‌ها، استرس‌هایمان را برون‌ریزی و تکثیر نکنیم. اول برای حال خودمان تلاش کنیم. شاید همین، اولین قدم برای داشتن جامعه‌ای آرام‌تر و بهتر باشد. به قول معروف، اضطراب، هیچ سرنوشتی را عوض نمی‌کند. پس بیاید دلیل آرامش هم باشیم.

برش

بشریت در حال زندگی در یک دروغ است

رونالد گاران، فضانورد آمریکایی که بیش از شش ماه را در مدار زمین گذرانده است، می‌گوید مشاهده سیاره از ایستگاه فضایی دیدگاه او را نسبت به زندگی کاملا دگرگون کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اطلاعات آنلاین، یک فضانورد باسابقه ناسا پس از تجربه طولانی زندگی در فضا اعلام کرده است که بشریت درک نادرستی از جایگاه خود در جهان دارد و به گفته او، «ما در حال زندگی در یک دروغ هستیم».

رونالد گاران که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ در سه ماموریت فضایی شرکت کرده و در مجموع بیش از ۱۷۸ روز را در فضا سپری کرده است، در گفت‌وگویی با وب‌سایت Big Think درباره تحولی که این تجربه در نگرش او ایجاد کرده سخن گفت.

او توضیح داد که وقتی زمین را از بیرون جو مشاهده می‌کنیم، بسیاری از مسائلی که در زندگی روزمره مهم به نظر می‌رسند، رنگ می‌بازند:

«وقتی سیاره‌مان را از منظر فضا می‌بینیم، بعضی چیزها به شکل انکارناپذیری روشن می‌شوند. ما تلاش می‌کنیم مشکلاتی مانند گرمایش جهانی، نابودی جنگل‌ها و کاهش تنوع زیستی را جدا از هم حل کنیم، در حالی که همه اینها فقط نشانه‌هایی از یک مشکل عمیق‌تر هستند؛ و آن این است که ما خودمان را موجوداتی سیاره‌ای نمی‌بینیم».

گاران در طول ماموریت‌هایش از ایستگاه فضایی بین‌المللی مناظری شگفت‌انگیز مانند شفق‌های قطبی، رعدوبرق‌ها و لایه بسیار نازک جو زمین را مشاهده کرده است. او می‌گوید در آن لحظات دریافته که این لایه ظریف، تنها سپر حیات برای میلیون‌ها گونه زنده روی زمین است.

به گفته او: «من یک زیست‌کره درخشان و پر از زندگی را دیدم، اما چیزی به نام اقتصاد را ندیدم».

این تجربه باعث شد او به این نتیجه برسد که نظام‌های ساخت بشر، از جمله اقتصاد جهانی، به اشتباه خود را محور همه چیز قرار داده‌اند.

گاران تاکید می‌کند: «سیستم‌های ما همه چیز، حتی خودِ سامانه‌های حیات‌بخش زمین را، زیرمجموعه‌ای از اقتصاد می‌دانند. از منظر فضا کاملا واضح است که این یک دروغ است».

او پیشنهاد می‌کند که انسان‌ها باید ترتیب اولویت‌های خود را تغییر دهند: به جای «اقتصاد، جامعه، سیاره»، باید به «سیاره، جامعه، اقتصاد» فکر کنیم. این دگرگونی فکری که بسیاری از فضانوردان پس از بازگشت به زمین تجربه می‌کنند، به نام «اثر چشم‌انداز» یا Overview Effect شناخته می‌شود. گاران درباره این پدیده می‌گوید: «وقتی فضانوردان زمین را در تاریکی بی‌کران فضا معلق می‌بینند، ناگهان درک می‌کنند که همه ما چقدر به هم پیوسته و وابسته‌ایم». او تاکید می‌کند که انسان‌ها باید این حقیقت ساده را بپذیرند که همه موجودات روی زمین به شکلی جدایی‌ناپذیر به هم مرتبط هستند. گاران در پایان با نگاهی امیدوارانه می‌گوید: «من خوش‌بین هستم، چون می‌بینم آگاهی نسبت به وابستگی متقابل ما در حال شکوفا شدن است. وقتی این آگاهی به یک نقطه بحرانی برسد، آن‌وقت قادر خواهیم بود مشکلات بزرگ سیاره‌مان را حل کنیم». به گزارش اسکوپ، سخنان او یادآور جمله مشهور کارل سیگن درباره تصویر تاریخی «نقطه آبی کم‌رنگ» است: آنجا که سیگن زمین را «خانه همه ما» نامید و تاکید کرد که این تصویر، بهترین دلیل برای مهربانی بیشتر با یکدیگر و حفاظت از تنها سیاره قابل سکونت ماست.